

نقش مردم استان ایلام در هشت سال دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ه.ش).

مرتضی اکبری^۱مریم قلیجی^۲

چکیده

دوران دفاع مقدس یکی از مقاطع فراموش نشدنی و بی نظیر تاریخ ایران است و مقاله حاضر، نقش مردم استان ایلام را در این دوران بررسی کرده است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای، اسناد و تاریخ شفاهی، به دنبال پاسخگویی به این سؤال انجام شده است که مردم استان ایلام چه نقشی در هشت سال دفاع مقدس داشته‌اند؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که مردم استان ایلام، اعم از عشایر، روحانیون، بازاریان، فرهنگیان، دانش آموزان، دانشجویان، کادر بهداشت و درمان، زنان و ... چه در شرایط عادی و چه هنگامی که شهرهای استان توسط هواپیماهای عراقی بمباران می‌شد، بدون آنکه در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی خود خللی وارد کنند، با تحمل مشکلات و سختی‌ها به زندگی خود ادامه دادند و با فداکاری و ایستادگی در برابر ارتش متجاوز عراق، از نظام جمهوری اسلامی و سیاست‌های امام خمینی (ره) حمایت کردند و نگذاشتند ذره‌ای از خاک کشور به دست رژیم بعث عراق بیفتد.

واژگان کلیدی: جنگ تحمیلی، دفاع مقدس، رژیم بعث عراق، مردم استان ایلام.



مقدمه

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ه.ش. تا آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ه.ش. بیشتر مردم در جریان‌های سیاسی کشور با پشتیبانی از امام خمینی (ره) و پیروی از خط آن بزرگوار، راه خود را برای دفاع از انقلاب مشخص نمودند و در سنگرهای مدرسه، دانشگاه، خیابان و ... با گروهک‌های ضد انقلاب مبارزه کردند. در تاریخ ۱۳۵۹/۱/۲۹ ه.ش. در پی تعرضات عراقی‌ها به نوار مرزی استان ایلام، بهروزان و بهداشتیان آموزشگاه بهورزی و بهداشتیاری استان ایلام، طی نامه‌ای به آقای اصغر ابراهیمی، استاندار وقت ایلام، آمادگی خود را برای دفاع از مرزهای ایلام و مبارزه با ارتش متجاوز صدام حسین، رئیس جمهور عراق، اعلام کردند (آزوغ، بی تا: ۳۷). در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۱۱ ه.ش. عده کثیری از مردم مهران، اعم از شهری، روستایی و عشایر آن شهرستان، به منظور عضویت در ارتش بیست میلیونی که به فرمان امام تشکیل شده بود، به فرمانداری مهران مراجعه کردند و با ثبت نام در بسیج، تحت آموزش‌های نظامی قرار گرفتند. این گروه هدف خود را از عضویت در بسیج مردمی، دفاع از مرزهای ایران اسلامی و وطن خود اعلام کردند (همان: ۴۷). در شرایط حساس اوایل جنگ تحمیلی، زنان مهرانی به دلیل نزدیکی شهر مهران به مرز ایران و عراق، نسبت به سایر زنان استان ایلام، بیشترین مقاومت را در برابر عراقی‌ها از خود نشان دادند. مردم جنگ‌زده از شهرهای نوار مرزی استان ایلام؛ یعنی مهران، دهلران، موسیان و روستاهای جنگ‌زده این استان و حتی از سایر شهرهای مرزی کشور مانند خرمشهر و دیگر شهرهای مرزی خوزستان و بعضی از مردم شهرهای استان کرمانشاه همچون: سومار، نفت شهر، گیلانغرب و قصرشیرین به استان ایلام مهاجرت کردند و مورد استقبال مردم این استان قرار گرفتند و در شهرهایی که از صحنه جنگ دورتر بودند، مستقر شدند. شهرهای ایلام، ایوان، آبدانان، دره شهر، شیروان و چرداول و ملکشاهی محل تجمع جنگ‌زدگان بود. اکثر جنگ‌زدگان شهرستان دهلران در آبدانان و بخصوص در اردوگاه حمزه (ع) و اردوگاه‌های ایلام مأوا گزیدند و به زندگی عادی خود مشغول شدند و با پایان یافتن جنگ به دهلران بازگشتند. اصغر ابراهیمی، استاندار وقت ایلام، در مصاحبه‌ای اعلام کرد که در حدود هفتاد هزار نفر از جنگ‌زده‌های خوزستان، سومار، گیلانغرب، مهران و دهلران در استان ایلام، به طور پراکنده یا در اردوگاه‌ها سکونت گزیده‌اند (اطلاعات، ۱۳۵۹، شماره ۱۶۳۱۱: ۴).

بیان مسئله

یکی دیگر از فعالیت‌ها و خدمات مردم، در برابر حمله گسترده ارتش حزب بعث عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ه.ش. به مرزهای غربی و جنوب غربی ایران، دفاع از ارزش‌های اسلامی بود. آنها در هشت سال دفاع مقدس، در عرصه‌های مختلف، خدمات ارزنده و شایسته‌ای را از خود نشان دادند که در تاریخ پیشین ایران کم نظیر بوده است. در این میان، فعالیت‌های زنان و مردان استان ایلام در خور توجه می‌باشد. حضور گسترده و داوطلبانه در جبهه‌های جنگ به منظور دفاع، تحمل مشکلات و سختی‌ها به هنگام بمباران و آوارگی و زندگی در زیر چادرها بدون امکانات اولیه، از مهمترین خدمات مردم استان ایلام به جبهه و جنگ و پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی ایران بود. پس پیروزی انقلاب اسلامی، دولت عراق از همان ابتدا مخالفت خود را با



این انقلاب مردمی نشان داد؛ زیرا از صدور این انقلاب احساس خطر می‌کرد؛ بنابراین در سال ۱۳۵۸ ه.ش. تعرضات خود را به مرزهای ایران، از جمله به مرز استان ایلام آغاز کرد و با آغاز سال ۱۳۵۹ ه.ش. این تعرضات روز به روز بیشتر شد، تا آنکه در تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ ه.ش. تهاجم وسیع خود را به مملکت اسلامی ایران آغاز کرد. از همان ابتدا اقشار مختلف جامعه استان ایلام، اعم از بهورزان، بهداشتیاریان، زنان و مردان مناطق مرزی همچون: مهران و دهلران، عشایر مناطق مختلف استان، معلمان، روحانیون و بازاریان، آمادگی خود را برای مقابله با حمله احتمالی عراق اعلام کردند. مقاله حاضر بر اساس اطلاعات و داده‌های کتابخانه‌ای، اسناد، تاریخ شفاهی و بهره‌گیری از آرشیو اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس استان ایلام، به «تحلیل و بررسی نقش اقشار مختلف مردم استان ایلام در هشت سال دفاع مقدس» می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

درباره جنگ تحمیلی در استان ایلام، بخصوص شهر ایلام، کتاب‌ها و مقالات انگشت‌شماری منتشر شده است که می‌توان به آثاری همچون: «روزشمار جنگ استان ایلام» از دوستعلی آزوغ (بی‌تا)، «تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام» از محمد صحرانی (۱۳۸۹)، «حضور زنان استان ایلام در دفاع مقدس» (۱۳۹۰ ب)، «تاریخ معاصر استان ایلام (عصر دفاع مقدس با تکیه بر جنگ تحمیلی)» (۱۳۹۲)، «نقش روحانیت استان ایلام در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» (۱۳۹۱ الف)، «نقش نیروی انتظامی استان ایلام در دفاع مقدس» (۱۳۹۳ ب)، «نقش زنان استان ایلام در تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس» (۱۳۹۱ ب) و «سومار در مسیر تاریخ» (۱۳۹۳ ب) به تألیف مرتضی اکبری و «نقش عشایر استان ایلام طی دوران دفاع مقدس و حفظ پاسداشت آن» از کامران محمدرحیمی اشاره کرد. با وجود این، تاکنون مقاله‌ای در خصوص نقش اقشار مختلف مردم استان ایلام در هشت سال دفاع مقدس نوشته و چاپ نشده است؛ از این رو این تحقیق درصدد بررسی و تبیین این موضوع برآمده است.

نقش زنان استان ایلام در هشت سال دفاع و مقاومت

همواره در بستر تاریخ، رفتن به جنگ‌های طولانی مدت و با مسافت زیاد بر عهده مردان بوده است. نکته جالب توجه این است که حضور آنها در صحنه جنگ، به تنهایی عامل و ضامن پیروزی ملت‌ها نبوده؛ بلکه پشتیبانی و حمایت از نیروهای رزمنده، تشویق و تحریض آنان به حضور مداوم در جبهه جنگ، مراقبت از کودکان، پرستاری از مجروحان جنگی و مداوای آنها، سرپرستی خانواده، تقویت روحیه اعضای خانواده‌های رزمنده، حفظ سنگرهای پشت جبهه، توسعه هسته‌ها و اداره کانون‌های مقاومت محله بر عهده زنان جسور و غیور بوده و این امر در سرنوشت جنگ تأثیر بسیار داشته است. در روز دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ ه.ش. ۲۲/ سپتامبر ۱۹۸۰م. رأس ساعت ۱۱ پیش از ظهر، با شلیک یک گلوله تانک تی ۷۲ به سوی مرزهای ایران، عملاً تهاجم وسیع و سراسری ارتش بعث عراق به سرزمین جمهوری اسلامی آغاز شد (اکبری،



۱۳۹۳ ب: ۷۵-۷۶). در این بین زنان ایلامی به فرزندان خود درس مقاومت و شجاعت می‌دادند تا در مقابل مشکلات ناشی از بمباران‌ها، آوارگی و شرایط سخت زندگی ایستادگی نمایند. آنها از آغاز جنگ تا آخر مرداد ۱۳۶۷ ه. ش. در استان جنگ‌زده ایلام زندگی می‌کردند و به شدت درگیر جنگ تحمیلی بودند و مانند مردان، نقش شایسته‌ای ایفا نمودند. امام خمینی (ره) (ج ۵، ۱۳۷۸: ۱۵۳) در مورد نقش زنان در صحنه‌های انقلاب و دفاع مقدس فرمودند: «زنان حق بیشتری از مردان دارند. زنان مردان شجاع را در دامان خود بزرگ می‌کنند. اگر زنان شجاع و انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شوند، ملت‌ها به شکست و انحطاط کشیده می‌شوند».

در مورد فعالیت‌های بانوان ایلامی در دوران دفاع مقدس در پشت جبهه، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- حضور مستقیم در بیمارستان‌های ایلام به عنوان امدادگر بسیجی به منظور امداد رسانی و مداوا و درمان مجروحین جنگی و حتی اسیران عراقی؛
- ۲- تهیه غذا، مربا، لباس‌های گرم (در فصل زمستان) و ... و بسته‌بندی و ارسال آنها به جبهه‌ها؛
- ۳- تعمیر و ترمیم لباس‌ها و وسایل رفاهی رزمندگان شامل پتو و ...؛
- ۴- تهیه اقلام دارویی، جمع‌آوری هدایای مردمی در مساجد و محله‌های شهر و بسته‌بندی و ارسال انواع نیازمندی‌های فصلی و عمومی رزمندگان.
- ۵- حضور در عرصه‌های فرهنگی - تبلیغی، سرکشی از خانواده‌های شهدا، اسرا و رزمندگان و دعوت آنها به صبر و بردباری، حضور فعال در تشییع پیکر شهیدان و برگزاری مجالس و محافل بزرگداشت یاد و خاطره شهدا؛
- ۶- راه‌اندازی کاروان‌های تفریحی - زیارتی به منظور تقویت روحیه خانواده‌های ایثارگران؛
- ۷- آگاه کردن مردم از دیدگاه‌ها و افکار سازمان مجاهدین خلق؛
- ۸- تحمل سختی‌های ناشی از بمباران‌ها و آوارگی و تربیت فرزندان در غیاب رزمندگانی که در جبهه حضور داشتند؛
- ۹- کمک‌رسانی به خانواده‌های رزمندگان، اسرا و شهدا و رفع مایحتاج زندگی آنان در حدّ توان توسط گروه‌های چند نفره خواهران که گردان‌های انصارالمجاهدین آنها را سازماندهی کرده بود؛
- ۱۰- اهدای خون به دفعات مختلف به مجروحان جنگی؛
- ۱۱- همسر داری، تربیت فرزندان، اداره منزل و خدمت در ادارات، نهادها و مراکز آموزشی (اکبری، ۱۳۹۳ ب: ۱۲۶-۱۴۰).



کمک‌های نقدی و غیرنقدی مردم ایلام به جبهه‌های جنگ

از قدیم‌الایام هرگاه جنگی بر کشوری تحمیل می‌شده یا کشوری آغازگر جنگی بوده، از لحاظ مالی و اقتصادی هزینه‌های فراوانی را می‌خواسته است و در شرایطی که دولت‌ها توان پرداخت هزینه جنگ را نداشته‌اند، به طرق مختلف، از جمله گرفتن مالیات‌های غیرمعارف و ناعادلانه از مردم طبقات پایین جامعه، به تأمین این هزینه‌ها می‌پرداخته‌اند. جنگ هشت ساله عراق بر علیه ایران، از لحاظ مالی و اقتصادی، فشارهای زیادی را به نظام جمهوری اسلامی وارد آورد و بخش اعظم بودجه کشور را به خود اختصاص داد. در این شرایط، کشور ایران بدون دریافت مالیات‌های اضافی یا غیرمعارف از مردم یا بدون آنکه فشاری را بر مردم تحمیل نماید، خوشبختانه توان مقابله با دشمن را داشت؛ البته در میان مردم، افراد زیادی با اهدای کمک‌های نقدی و غیرنقدی، در اداره جنگ نقش داشتند و به تقویت توان مالی دولت و تقویت روحیه رزمندگان برای دفاع در مقابل دشمن متجاوز می‌پرداختند. در این بین، مردم استان ایلام نیز با وجود آنکه به طور مستقیم درگیر جنگ با ارتش عراق بودند و خود به دریافت کمک‌های مالی از سوی دولت و سایر هموطنان نیاز داشتند، به اهدای مواد غذایی، پول، طلا و ... به جبهه‌های جنگ می‌پرداختند (همان، ۱۳۹۲: ۳۰۱). دانش‌آموزان مدارس استان نیز در این زمینه همکاری می‌کردند و پول‌های خود را به کمک می‌انداختند و به مسئولان مدارس که عضو بسیج بودند، تحویل می‌دادند. این کمک‌های مالی در افزایش روحیه رزمندگان و اداره بخشی از جنگ مؤثر بود. از جمله کمک‌های مردم ایلام به جبهه‌های جنگ می‌توان به اهدای طلا، پول نقد، کلمن آب، گونی برای احداث سنگر، پنبه بسته‌بندی‌شده بهداشتی برای درمانگاه‌های صحرایی، وسایل بهداشتی همچون: صابون، مسواک، خمیر دندان، پماد ضد پشه و دارو، پوشاک و لباس راحتی و کلاه و شال اشاره کرد. برخی نیز در حد یک کامیون یا وانت‌بار میوه می‌خریدند و به جبهه‌ها اهدا می‌کردند (همان: ۳۰۲).

اهدای خون به رزمندگان توسط مردم ایلام

از دیگر فعالیت‌ها و خدمات ارزنده مردم ایلام به رزمندگان در دوره دفاع مقدس (۱۳۵۹-۱۳۶۷ ه.ش)، اهدای خون بوده است. هرگاه در نوار مرزی استان ایلام، عملیاتی صورت می‌گرفت یا هواپیماهای عراقی شهرهای استان را بمباران می‌کردند، بیمارستان‌های ایلام از مجروحان پر می‌شد و برای جراحی آنها نیاز به خون وجود داشت. در این شرایط، مردم ایلام به صورت داوطلبانه به اهدای خون می‌پرداختند و موجب نجات شماری از آنها می‌شدند (همان). پایگاه انتقال خون ایلام نیز با وجود کمبود امکانات و در شرایط سخت، به صورت شبانه‌روزی، خون‌های اهدایی را به بیمارستان‌های ایلام انتقال می‌داد. این پایگاه در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۲ ه.ش. به شدت بمباران شد و خسارات زیادی به ساختمان و تجهیزات آن وارد آمد و یکی از پرسنل فداکار آن به نام «علی محمد چمن‌گل» به شهادت رسید. پس از آن، پایگاه انتقال خون ایلام مدتی در پناهگاه‌های طبیعی، همچون «ششدار» به فعالیت شبانه‌روزی خود ادامه داد و بدون وقفه به امدادسانی به مجروحان جنگی پرداخت. در این شرایط که مردم کوه‌های



اطراف ایلام پناه گرفته بودند و در زیر چادرها زندگی می‌کردند، برای اهدای خون به آنجا مراجعه می‌کردند (پایگاه انتقال خون استان ایلام: ۱۳۹۰).

به طور کلی براساس آمار پایگاه انتقال خون استان ایلام (۱۳۹۰)، در طول سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۷ هـ.ش. مردم استان ایلام، اعم از زن و مرد، در حدود ۲۰۵۶۸ واحد خون به مجروحان رزمنده و بمباران‌شده اهدا نموده‌اند. در ادامه، میزان اهدای خون به تفکیک سال بررسی می‌شود.

در سال ۱۳۶۲ هـ.ش. مردم وطن‌دوست ایلامی ۳۱۷۳ واحد خون به مجروحان رزمنده و بمباران‌شده اهدا کرده‌اند. این میزان در سال ۱۳۶۳ هـ.ش. به خاطر افزایش حملات عراق به شهرستان‌های ایلام، افزایش محسوسی داشته به ۴۵۷۹ واحد رسیده است. پایگاه انتقال خون ایلام معمولاً از طریق رادیو ایلام اطلاعیه می‌داد که به چه گروه خونی نیاز مبرم است. مردم نیز به محض شنیدن اطلاعیه‌ها، در مقابل سازمان انتقال خون، صف می‌کشیدند و خون می‌دادند. میزان اهدای خون در سال ۱۳۶۴ هـ.ش. ۱۴۹۹ واحد بوده است. از دلایل این کاهش می‌توان به آرامش نسبی در جبهه‌های جنگ و افزایش حملات هوایی عراق به شهرهای ایلام، ایوان، ملکشاهی و ... اشاره کرد. این حملات باعث آوارگی مردم و پناه بردن آنها به کوه‌ها، دره‌ها، غارها و ... شد. به این صورت دسترسی آنها به پایگاه انتقال خون و به تبع آن، امکان اهدای خون کمتر شد. پایگاه انتقال خون هم به خارج از شهر انتقال یافت و در پناه طبیعت به فعالیت خود ادامه داد (همان).

اهدای خون در سال ۱۳۶۵ هـ.ش. افزایش چشم‌گیری یافت و به میزان ۴۳۴۳ واحد رسید. از دلایل این افزایش می‌توان به افزایش حملات هوایی عراقی‌ها به شهرهای ایلام، ایوان، ملکشاهی و سایر شهرهای استان و افزایش مجروحان و به تبع آن، افزایش حضور مردم در پایگاه انتقال خون برای اهدای خون اشاره کرد (همان). به گفته برزگر (۱۳۸۴: ۱۲۵)، صحرایی (۱۳۸۹: ۱۷۳-۱۷۲) و هاشمی رفسنجانی (۱۳۸۸: ۵۳۲-۵۳۳) هم یکی از دلایل افزایش اهدای خون مردم ایلام در سال ۱۳۶۵ هـ.ش. آن بود که عراقی‌ها در روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۳۶۵ هـ.ش. ۱۷/ مه ۱۹۸۶ میلادی، حمله عمومی خود را به مهران آغاز کردند.

رزمندگان ایرانی در تاریخ ۱۳۶۵/۴/۹ هـ.ش. در عملیات غرورآفرین کربلای ۱، شهر مهران را که در حدود ۴۳ روز در دست عراقی‌ها بود، آزاد کردند. بسیاری از رزمندگان مجروح این عملیات در بیمارستان‌های ایلام بستری شدند و به خون نیاز داشتند. مردم نیز در پی اعلام نیاز از سوی پایگاه انتقال خون ایلام، به اهدای خون اقدام کردند. در سال ۱۳۶۶ هـ.ش. نیز میزان اهدای خون توسط زنان و مردان ایلامی ۲۵۷۴ واحد گزارش شده است. از دلایل کاهش این میزان، عدم اعلام نیاز توسط پایگاه انتقال خون بود. آمار مجروحان بمباران‌ها و نوار مرزی نیز کاهش یافت. از دیگر دلایل کاهش اهدای خون، می‌توان به پراکندگی محل زندگی مردم ایلام در کوه‌های اطراف شهر و دسترسی کمتر آنها به پایگاه انتقال خون اشاره کرد (پایگاه انتقال خون استان ایلام: ۱۳۹۰).

در سال ۱۳۶۷ هـ.ش. به دلیل شدت گرفتن جنگ و افزایش آمار مجروحان در ۵ ماه اول



سال و اعلام نیاز از سوی پایگاه انتقال خون ایلام، میزان اهدای خون افزایش قابل توجهی یافت و در حدود ۴۴۰۰ واحد خون اهدا شد (همان).

بنا بر اذعان روزنامه جمهوری اسلامی (چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۵)، آذوغ (بی تا: ۱۶۹) و فوزی و لطف-اللهزادگان ۱۳۸۷، ج ۴۳: ۴۰۶)، مردم ایلام در طی ۳ ماه اول سال ۱۳۶۵ ه.ش. ۱۳۱۲ واحد خون به رزمندگان مجروحی که در جبهه‌های حق علیه باطل به درجه رفیع جانبازی نایل شده بودند، اهدا نمودند؛ البته این گزارش، گوشه‌ای از همراهی مردم را بیان کرده است و بدون شک آنها هر روز به پایگاه انتقال خون، مراجعه و به اهدای خون اقدام می‌کردند. در این بین، مقدار قابل توجهی از واحدهای خون اهداشده، متعلق به زنان ایلامی بوده است.

نقش مردم استان ایلام در تشییع جنازه شهدا

اقشار مختلف جامعه، اعم از مسئولین استان و شهرها و دوایر دولتی، روحانیون، کارمندان، زنان خانه‌دار، فرهنگیان، دانشجویان، دانش‌آموزان، بازاریان و ... خانواده شهدا را در تشییع پیکر عزیزان شهیدشان همراهی می‌کردند و گاهی به ذکر شعارهایی خاص می‌پرداختند. در چنین شرایطی حضور آنها پررنگ و ارزشمند بوده است. در ادامه به چند مورد از این همراهی‌ها و همدلی‌ها اشاره می‌شود:

در شب عاشورای سال ۱۳۵۹ ه.ش. که برابر با ۲۸ آبان‌ماه همان سال بود، تعدادی از جوانان فداکار شهرستان ایوان و سومار به همراه تعداد دیگری از رزمندگان جبهه سومار و هوانیروز با پشتیبانی آتش توپخانه، عملیاتی را علیه عراقی‌ها در ارتفاعات «سارت» سومار آغاز کردند. در این عملیات، هفت تن از مردم شهرستان ایوان به نام‌های جوهر مرادی (مسئول جهاد سازندگی ایوان)، عبدالمهدی و محمدکریم پیرحیاتی (هر دو برادر بودند)، جلیل رستمی، خلیل رشیدی، محمد نوری و تقی کوهی به شهادت رسیدند که پنج نفر از آنها معلم بودند. مردم شهرستان ایوان نیز با حضور گسترده خود این عزیزان را تشییع نمودند. حضور زنان در این مراسم چشمگیر بود. اداره آموزش و پرورش استان ایلام هم پس از تأیید نهادهای بالادست، روز شنبه ۱۳۵۹/۹/۱ ه.ش. را عزای عمومی اعلام نمود و در کلیه مراکز آموزشی استان، بخصوص در مراکز آموزشی دخترانه، مراسم ترحیم برگزار شد (آزوغ، بی تا: ۶۱-۶۲؛ پرهیزکاری، ۱۳۸۹: ۷).

در روز شنبه ۱۳۵۹/۹/۸ ه.ش. مردم ایلام، اعم از مسئولان، زنان، مردان، دانش‌آموزان، بازاریان و اصناف و ...، جنازه دو تن از شهدا را، که در پاسگاه سُمیده (در دهلران و موسیان) به شهادت رسیده بودند، تشییع نمودند (آزوغ، بی تا: ۶۱). یکی از این شهدا سرباز وظیفه، شیرزاد یاسمی بود که پس از تشییع، به زادگاهش در ایوان منتقل گردید و در آنجا هم توسط اقشار مختلف مردم ایوان تشییع شد. پیکر شهید دیگر نیز به شهر صحنه در استان کرمانشاه منتقل گردید.

در روز یکشنبه ۱۳۵۹/۹/۱۶ ه.ش. شهر ایلام، شاهد مراسم باشکوه تشییع جنازه ۴ تن از شهدای ارتش جمهوری اسلامی ایران بود. مردم ایلام، جنازه‌های سرگرد خلبان، احمد کشوری و سه سرباز وظیفه دیگر را طی مراسم ویژه‌ای از مسجد جامع تا ستاد هنگ ژاندارمری سابق



(نیروی انتظامی کنونی) تشییع کردند و در میان اندوه و تأثر مرزنشینان ایلامی، پیکر این شهدا با هلیکوپتر به تهران انتقال یافت. سرگرد خلبان کشوری در روز شنبه ۱۳۵۹/۹/۱۵ ه.ش. در عملیات شجاعانه هوانیروز در منطقه مهران از توابع استان ایلام به شهادت رسید (اطلاعات، ۱۳۵۹، شماره ۱۶۳۰۵: ۴).

در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۲۹ ه.ش. یکی از داوطلبان افغان به نام حسین ناظری، که در نوار مرزی ایلام به دست عراقی‌ها به شهادت رسیده بود، تشییع گردید. مردم مسلمان و متعهد ایلامی، اعم از زنان و مردان و کارکنان ادارات و دوایر دولتی در تشییع جنازه این شهید حاضر شدند و تا دروازه شهر، پیکر ایشان را همراهی کردند (خبرگزاری پارس، ۱۳۵۹/۹/۲۹).

در تاریخ ۲۱ دی‌ماه ۱۳۵۹ نیز پس از عملیات غرورآفرین و پیروز میمک، تشییع پیکر پاک هشت تن از شهدای ایلام و ایل خزل به نام‌های بهادر نبی‌پناه، بهرام سهرابی، خیرالله جعفری، محمدرحیم فیضی، محمدعلی سوری، قاسم فولادسنج، جهانگیر قنبری و بشیر بشیری، در شهر ایلام و در میان حضور گسترده مردم ایلام، ایل خزل و سایر قبایل و طوایف، با حضور نیروهای نظامی و انتظامی، سپاه پاسداران، کارکنان ادارات و ... انجام گرفت (همان، ۱۳۵۹/۱۰/۲۱).

عیادت و سرکشی از جانبازان و خانواده شهدا

یکی از فعالیت‌های مردان و زنان ایلامی در ایام دفاع مقدس، عیادت از مجروحین جنگی و جانبازان بوده است. گروهی از زنان ایلامی، بخصوص بانوان فرهنگی نیز به همراهی دانش‌آموزان دختر برای اظهار همدردی و تسلی خاطر به دیدار خانواده‌های شهدا می‌رفتند. این دیدارها بیشتر در اعیاد نوروز، قربان، غدیر، فطر و روزهای تاسوعا و اربعین حسینی صورت می‌گرفت. بر اساس گزارش خبرگزاری پارس در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۸ ه.ش. (بیستم ماه محرم)، گروهی از دانش‌آموزان مدارس زینب (س)، محبوبه، متحدین و ناهید به همراه مسئول روابط عمومی آموزش و پرورش شهرستان ایلام به دیدار خانواده‌های شهیدان روح‌الله شنبه‌ای و عبدالحمیدی رفته‌اند.

هرگاه در نوار مرزی استان ایلام، عملیاتی صورت می‌گرفت یا شهرهای استان توسط هوپماهای عراقی بمباران می‌شد، بیمارستان‌های ایلام از مجروحان پر می‌گردید. تعداد زیادی از مردان و زنان ایلامی به صورت انفرادی یا در قالب گروه‌های خودجوش، به عیادت مجروحان جنگی در بیمارستان‌ها می‌رفتند و به تقویت روحیه آنان می‌پرداختند.

فعالیت‌های تبلیغی، فرهنگی و هنری مردم استان ایلام در دوران دفاع مقدس

مردم استان ایلام در طول هشت سال جنگ تحمیلی، به منظور تقویت روحیه رزمندگان، ایجاد انگیزه در جوانان برای رفتن به میدان جنگ و برای تقویت نظام جمهوری اسلامی ایران، دست به تبلیغات گسترده می‌زدند و به این منظور، به تهیه پلاکاردها و نصب آنها در



مکان‌های مناسب، تهیه تراکت‌ها و بروشورهای تبلیغاتی و توزیع آنها و بیان اشعار حماسی و مذهبی در مراسم گوناگون می‌پرداختند. گاهی نیز فعالیت تبلیغی آنها از طریق طراحی و نقاشی با موضوع دفاع مقدس؛ همچنین حمل پلاکاردهای تبلیغاتی در جریان راهپیمایی‌های ۲۲ بهمن، ۱۳ آبان، هفته بسیج، روز قدس و ... بوده است. دانش‌آموزان و دانشجویان نیز مقاله‌هایی را در مورد حماسه‌آفرینی رزمندگان، توصیف ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی شهدا، جانبازان و رزمندگان، مقاومت مردم ایران در برابر توطئه‌های آمریکا و ... در اجتماعات خیابانی و راهپیمایی‌ها قرائت می‌کردند (اکبری، ۱۳۹۲: ۲۹۰).

در حمله‌های هوایی ارتش عراق به شهرهای استان ایلام و در جبهه‌ها، تعدادی از فرهنگیان استان ایلام به درجه رفیع شهادت و بسیاری نیز به درجه جانبازی نائل گردیدند. بدون شک آمار شهدا و جانبازان فرهنگی در دوران دفاع مقدس، بیانگر حضور پرشکوه آنان در عرصه‌های گوناگون انقلاب اسلامی است. در طول دوران دفاع مقدس، ۵۵ نفر از فرهنگیان استان ایلام به شهادت رسیدند.

نقش مردم عشایر استان ایلام در جنگ تحمیلی

عشایر و دامداران استان ایلام در دوران هشت ساله جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به دلیل نیازی که به استفاده از مراتع مناطق گرمسیری نوار مرزی داشتند، زمستان‌ها به مناطق جنگی، که محل قشلاق آنها بود، کوچ می‌کردند (درخشنده، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۲۲) و در کنار رزمندگان ایران اسلامی، ضمن استفاده از مراتع برای دام‌هایشان، به دفاع از وطن نیز می‌پرداختند (همو، ۱۳۹۳ب: ۲۲۹ - ۲۳۰). در بسیاری از اوقات، رزمندگان ایرانی با آنها روابط دوستانه‌ای برقرار می‌کردند و از آنها لبنیات و گوسفند می‌خریدند؛ بدون شک این مناسبات در تقویت روحیه رزمندگان نقش مهمی داشته است (اکبری، ۱۳۹۲: ۳۱۱-۳۱۸). نیروهای عشایر ایل‌های خزل و دهبالا در مناطق عملیاتی میمک، عشایر ایل ملکشاهی و شوهان در مهران و چنگوله، عشایر دهلران و موسیان در نوار مرزی، عشایر ایوان و سومار در مناطق عملیاتی سومار، کَریو و بان‌میل و عشایر ایل ارکوازی و مردم چوار و بولی در نوار مرزی بولی (منطقه میمک) حضور داشته‌اند. امام خمینی (ره) در رابطه با نقش عشایر در جریان انقلاب و جنگ تحمیلی فرموده است: «عشایر ذخایر انقلابند». زنان عشایر ایلام هم در کنار خانواده خود در مناطق عملیاتی به پرورش دام می‌پرداختند و هم در غیاب همسران یا فرزندان که به جبهه‌ها رفته بودند، نقش خود را در حمایت از انقلاب و دفاع مقدس ایفا می‌کردند (همان).

پس پیروزی انقلاب اسلامی، بلافاصله تجاوز دولت عراق به نوار مرزی استان ایلام آغاز شد. به این مناسبت، در روز یکشنبه، ۱۳ خرداد ۱۳۵۸ هـ.ش. جمع کثیری از سران ایلات و عشایر استان ایلام در محل استانداری ایلام جمع شدند و آمادگی خود را برای حراست از مرزهای کشور و استان ایلام اعلام نمودند. یکی از زنان عشایر ایلام با اطلاع از اقدام ناجوانمردانه مأموران حکومت عراق و تیراندازی آنها به سوی پاسگاه‌های مرزی استان ایلام، مسلح شده بود تا با کمک برادران خود برای عقب راندن متجاوزین به مرز عزیمت کند؛



ولی بستگانش از عزیمت وی جلوگیری کرده بودند. در ادامه این گزارش آمده است که اهالی دهستان ماژین نیز با مخابره تلگرافی به کمیته انقلاب اسلامی استان ایلام، آمادگی خود را برای حراست از مرزهای ایلام اعلام کردند (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸، شماره ۱۵: ۳).

در تاریخ ۱۳۵۸/۴/۱۷ هـ.ش. نیز سران ایلات و عشایر شهرستان ایلام در مسجد امیرالمؤمنین (ع) ایلام جمع شدند و با امضای یک سوگندنامه، حمایت خود را از انقلاب، نظام جمهوری اسلامی و دفاع از مرزهای ایران و ایلام اعلام کردند. در پی حمله ضد انقلاب‌ها و مخالفان جمهوری اسلامی ایران به شهر پاوه، از توابع استان کرمانشاه، در شب شنبه، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ هـ.ش. سران ایل‌های خزل و دهبالایی (در محله‌های شادآباد و نوروزآباد) به همراه سایر ایلات، افرادی از هنگ ژاندارمری ایلام (نیروی انتظامی) و عده‌ای از زنان این استان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مستقر در ایلام مراجعه کردند و آمادگی خود را برای عزیمت به پاوه و سرکوبی افراد مهاجم و ضد انقلاب اعلام نمودند (همان، شماره ۶۶: ۳؛ اکبری، ۱۳۹۰: ۳۹۳).

در اطلاعیه شماره ۳۵ ستاد مشترک در روز سه‌شنبه ۱۳۵۹/۷/۱ از عشایر مناطق عین خوش، فکه، موسیان، دهلران و دشت عباس از توابع استان ایلام، به پاس مقاومت شجاعانه‌شان در برابر هجوم ارتش متجاوز عراق به خاک استان ایلام، تشکر و قدردانی گردیده است (به‌روزی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۶۲؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹، شماره ۱۶۲۴۶: ۴). در این اطلاعیه آمده است که «عشایر مناطق مذکور در کنار سایر رزمندگان ایران اسلامی، در برابر تجاوز عراقی‌ها به شدت مقاومت می‌کنند و موجب تقویت روحیه رزمندگان شده‌اند».

در روز پنجشنبه ۱۳۵۹/۷/۳، که فقط ۴ روز از حمله گسترده عراق به ایران گذشته بود، اولین گروه بسیج عشایری منطقه ملکشاهی از توابع استان ایلام، برای جلوگیری از پیشروی عراقی‌ها به داخل خاک استان ایلام و مبارزه با آنها، به جبهه جنگ در محور مهران اعزام شدند. آنها توانستند در ارتفاعات ملکشاهی، با مقاومت شدید در برابر ارتش عراق، راه نفوذ آنان را در آن منطقه سد کنند و موجب تقویت نسبی قدرت دفاعی رزمندگان ایرانی و افزایش روحیه آنان شوند (به‌روزی، ۱۳۸۴، ج ۲: ۱۲-۱۳). در روز جمعه ۱۳۵۹/۷/۴، سنگین‌ترین نبرد بین نیروهای عراقی و ایرانی در محورهای استان ایلام روی داد که طی آن، رزمندگان ایرانی، اعم از سپاه پاسداران، ارتش، ژاندارمری (نیروی انتظامی) و نیروهای مردمی و عشایری، در حدود ۷۰ دستگاه تانک عراقی را منهدم کردند (همان: ۱۳۴).

مشوق اصلی مردم عشایر و روستایی استان ایلام برای رفتن به جبهه‌ها، آیت‌الله حیدری بوده است؛ چنانکه به تشویق وی و شهید عبدالصاحب حیدری، فرماندار وقت ایلام، دو گروه ۳۰ نفره از اهالی بولی از توابع بخش چوار استان ایلام، به جبهه میمک رفتند و به فرماندهی حاج مجید پاوند و با اسلحه ام.یک در آن محور عملیاتی، تنگه‌های بیجار و بینا و پاسگاه سنگی هلاله با عراقی‌ها به مبارزه پرداختند. تدارکات این گروه‌های چریکی از سوی دولت تأمین نمی‌شد؛ بلکه با نان و غذایی که زنان بولی برای آنها ارسال می‌کردند، به مقاومت پرداختند. حاج مجید پاوند، با وجود شهادت پسر دل‌بندش، عزالدین پاوند در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۶، به همراه پسر دیگرش، حمید پاوند، برای عقب راندن عراقی‌ها از خاک ایران به



جبهه رفتند و در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ در عملیات میمک شرکت کردند (مصاحبه با پاوند، ۱۳۹۰).

در تاریخ ۱۳۵۹/۷/۲۱ نیز یک گروه ۱۳ نفره از مردم بومی و عشایر ایلام به منطقه گنجی ویس و ارتفاعات آن اعزام شدند تا به کمک نیروهای ژاندارمری (= نیروی انتظامی) در برابر تجاوز عراقی‌ها به دفاع بپردازند (آزوغ، بی تا: ۵۲). نیروهای عشایر و مردمی ایل ملکشاهی هم در تاریخ ۱۳۵۹/۸/۱۳ در جبهه مهران، کانی-سخت و شور شیرین، به طور قابل توجهی سایر رزمندگان را یاری نمودند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۵۹) و در برابر عراقی‌های متجاوز به شدت مقاومت کردند. در آن روزها که عراقی‌ها از هر سو به خاک میهن ما حمله کرده بودند، نظم و انضباط خاصی بر قوای ما حاکم نبود و یکی از مهمترین مشکلات رزمندگان ما، کمبود ادوات جنگی و مواد غذایی بود. زنان ایلامی، اعم از زنان عشایر، شهری و روستایی با ارسال نان، غذا، خرما، لبنیات، گوشت و ... به جبهه‌ها، خدمت شایانی به رزمندگان و نیروهای مردمی کردند.

در ماه‌های اولیه جنگ تحمیلی، تعدادی از رزمندگان ایلامی در ارتفاعات زیل (مهران) در برابر ارتش عراق به شدت مبارزه و مقاومت کردند. آنها از مشکلاتی مانند بی‌آبی، کمبود غذا، نداشتن سنگر و ... رنج می‌بردند؛ به نحوی که روزهای متمادی غذای گرم نداشتند و از آب شور رودخانه کنجان‌چم استفاده می‌کردند. در این شرایط، زنان و مردان روستای گلان (در صالح‌آباد ایلام) از آرد منازل خود نان می‌پختند و برای رزمندگان مستقر در ارتفاعات زیل ارسال می‌کردند و باعث تقویت آنان می‌شدند (مصاحبه با قاسمی، ۱۳۹۰).

یکی از اهالی ایل ملکشاهی، که خود از نیروهای عشایر داوطلب بوده است، در خصوص حضور عشایر غیور استان ایلام و نقش زنان و خانواده‌های آنان در دفاع مقدس در اوایل جنگ تحمیلی چنین می‌گوید: «هنگامی که ارتش متجاوز بعث عراق به مهران حمله کرد، در همان اوایل جنگ، مردم ایل ملکشاهی با دریافت اسلحه ام.یک از مراکز نظامی دولتی، برای جلوگیری از ورود ارتش عراق به کوه‌های مشرف بر شهر مهران و ملکشاهی و ایلام، به منطقه عملیاتی «کل نیر» در منطقه «چَمَن» اعزام شدند که مشرف بر همواری‌های مهران و دشت اطراف آن است. زنان عشایر ملکشاهی با ارسال نان، غذا، آذوقه و مواد غذایی، از رزمندگان و نیروهای مردمی حمایت می‌کردند و در غیاب همسران، برادران و پدران خود، ضمن حراست از خانه و خانواده، به تقویت روحیه رزمندگان عشایر می‌پرداختند. مردان ملکشاهی با اطمینان خاطر به جبهه می‌رفتند و از حمایت بی‌شائبه همسران و خانواده‌های خود برخوردار بودند. اسلحه ما، ام.یک بود و مخلصانه با دشمن مبارزه می‌کردیم و در این نبرد غیرعادلانه و نابرابر، با آنکه ارتش عراق مجهز به تمام سلاح‌های روز بود، ما توانستیم در منطقه مذکور جلوی عراقی‌ها را سد کنیم و مانع از نفوذ آنان به منطقه خود شویم» (مصاحبه با ناصری، ۱۳۹۰).

نقش عشایر شهرستان ایوان در عملیات «سارات» سومار در شب عاشورای سال ۱۳۵۹ برابر با ۲۸ آبان‌ماه، قابل تقدیر است؛ زیرا گروه زیادی از مردم شهر ایوان و سومار، اعم از عشایر، شهری و روستایی، داوطلبانه و خودجوش به جبهه سومار رفتند و با حمله‌ای شجاعانه



به همراه سایر رزمندگان سپاهی و ارتشی با پشتیبانی آتش توپخانه ارتش، ضربه سنگینی به متجاوزان عراقی در ارتفاعات سارات سومار وارد کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹، شماره ۱۶۲۹۱: ۲). آنها در طول دفاع مقدس هرگز منطقه عملیاتی سومار را ترک نکردند و در فصل قشلاق (پاییز، زمستان و اوایل بهار) در مراتع خود و در کنار رزمندگان ایران اسلامی به زندگی خود در سیاهچادر ادامه می‌دادند.

نقش نیروهای عشایر، روستایی و شهری ایلام، بخصوص ایلات خزل، دهبالایی، ارکوازی، بولی، دهلران، ملکشاهی، میشخاص و ... در کنار سایر رزمندگان سپاهی و ارتشی، در عملیات پیروزمندانه و غرورآفرین میمک در ۱۹ دی ماه ۱۳۵۹ بسیار ارزشمند است.

اصغر ابراهیمی، استاندار وقت ایلام، به همراهی آیت‌الله حیدری ایلامی و فرمانده هوانیروز منطقه ایلام، در روزهای پنجشنبه و جمعه ۹ و ۱۰ بهمن ماه ۱۳۵۹، پس از بازدید از مناطق جنگی استان ایلام و محل عملیات رزمندگان ایران اسلامی در ارتفاعات ملکشاهی و منطقه سرنی صالح‌آباد، در اجتماع مردم سلحشور ایل ملکشاهی حضور یافتند و از آنان به خاطر زحمات و فداکاری‌هایشان تشکر و قدردانی کردند و با تأمین اعتبار جهت احداث مسجد و کتابخانه در این منطقه موافقت نمودند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۵۹).

مناطق مسکونی دهلران در تاریخ ۱۳۶۱/۴/۲۴ در ساعت ۱۱ پیش از ظهر توسط سه فروند هواپیمای عراقی بمباران شدند و دو نفر از آنها به شهادت رسیدند. سه تن از زنان عشایر نیز مجروح شدند (لطف‌الله‌زادگان، ۱۳۸۱، ج ۲۰: ۲۶۴). هواپیماهای ارتش متجاوز عراق در تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۷ روستاهای سرنی، ریکا و بولی در صالح‌آباد را نیز بمباران کردند. در این بمباران، ۱۵ نفر از افراد غیرنظامی، که دامدار و کشاورز بودند و تعدادی کودک و زن نیز در میان آنان وجود داشت، به شهادت رسیدند. مجروحان را هم به بیمارستان‌های ایلام منتقل کردند (مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سند شماره ۰۰۲۸۵۷۶). به طور کلی، در دوران دفاع مقدس، در حدود ۱۳۱ نفر از عشایر استان ایلام، اعم از زن و مرد به شهادت رسیدند که بیشتر آنان مرد بودند. از این تعداد، دو نفر از زنان شهرستان ایوان بودند که یکی از آنان در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ در منطقه عملیاتی سومار، که محل قشلاق طویف ایوان و برخی از ایل زوله کرمانشاه است، به شهادت رسید. در منطقه کارزان و چرداول نیز دو نفر از زنان عشایر به شهادت رسیدند. در تمام شهرستان‌های استان ایلام، ۴۷ نفر از بانوان عشایر به درجه جانبازی نایل آمدند (سازمان امور عشایری استان ایلام، ۱۳۹۰).

در شهرستان ایلام ۱۵ نفر از عشایر به شهادت رسیدند، ۳۶ نفر جانباز شدند و ۶ نفر هم آزاده هستند. در شهرستان مهران ۲۷ نفر، دره‌شهر ۱۵ نفر، ایوان ۸ نفر، آبدانان ۸ نفر و شیروان چرداول هم ۲۸ نفر از عشایر به شهادت رسیدند (همان). این آمار بیانگر حضور گسترده عشایر استان ایلام در عرصه‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس است. در کتاب «نقش عشایر استان ایلام طی دوران دفاع مقدس و حفظ پاسداشت آن» چنین آمده است: «... ماه‌های بعد از آبان، بالاترین تعداد عملیات‌ها را (هرکدام ۶ حمله) به خود اختصاص داده‌اند. ... بر اساس گفته کارشناسان نظامی، وجود عشایر در طول دفاع مقدس، علاوه بر دلگرمی و تقویت روحیه



رزمندگان، از لحاظ غذایی و امکانات پشتیبانی هم حائز اهمیت است. عشایر وطن پرست این خطه با تهیه نان، آب، لبنیات و گوشت، مایحتاج رزمندگان را در شرایط سخت جنگی فراهم می‌کردند» (محمدرحیمی، ۱۳۸۵: ۴۸).

نقش روحانیون استان ایلام در دفاع مقدس

روحانیت در تمامی عرصه‌های دفاع مقدس، حضور و تأثیر جدی داشتند. از جمله نقش‌های آنها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱- بسیج نیروهای مردمی، ۲- حضور فیزیکی در صحنه جنگ، ۳- حمایت مالی از جنگ، ۴- حمایت از خانواده مجاهدان و ایثارگران، ۵- شاداب نگه داشتن روحیه مردم و ۶- تقویت بنیه اعتقادی و تحکیم ارزش‌های اخلاقی رزمندگان (مرادپیری و شربتی، ۱۴۰۲: ۱۸۷). عالم بزرگی همچون آیت‌الله حیدری که در جریان مبارزات مردم ایلام علیه رژیم پهلوی نقش پیشتاز داشت، با آغاز جنگ تحمیلی نیز تا زمان رحلتشان در دی‌ماه ۱۳۶۵، با بسیج نیروهای مردمی که خود در صف اول آنان قرار داشت، از مرزهای استان ایلام دفاع نمود (اکبری، ۱۳۹۱ الف: ۶۳). روحانیون بزرگ دیگری همچون: آیت‌الله محمدتقی مروارید، حجت‌الاسلام شیخ محمد تعمیرکاری، حجت‌الاسلام حاج شیخ محمدتقی لطفی، حجت‌الاسلام حاج شیخ عباس سلطانی، حجت‌الاسلام حاج شیخ حجت‌الله شریفی‌راد؛ همچنین دکتر شمس‌الله صفرلکی، دکتر مهدی اکبرنژاد، دکتر سید محمدرضا حسینی‌نیا و ... علاوه بر حضور در جبهه‌ها و دفاع از وطن، به برگزاری نماز جماعت، آموزش‌های دینی و اخلاقی و تبیین آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی در بین رزمندگان و اقشار مختلف جامعه نیز می‌پرداختند (درخشنده، ۱۳۹۴: ۲۱۴ - ۲۱۸). قشر روحانیت استان ایلام با تقدیم ۲۳ شهید و تعداد زیادی جانباز، دین خود را به جبهه و جنگ ادا نمود. این آمار با توجه به جمعیت کم این قشر در ایلام، بیانگر حضور گسترده آنان در جبهه‌هاست (اکبری، ۱۳۹۱ الف: ۲۰۹).

نقش بازاریان استان ایلام در دفاع مقدس

با آغاز جنگ تحمیلی، بازاریان استان ایلام، با رفتن به جبهه‌ها و قرارگرفتن در صفوف رزمندگان، کمک‌های مالی، اهدای مواد غذایی، پتو، زیلو، فرش، کلمن آب، لباس و ... به جنگ‌زدگان و رزمندگان، خدمات شایسته‌ای کردند. آنها بارها بر اثر حمله هوایی عراق به شهرهای استان، خسارات زیادی را متحمل شدند؛ چنانکه اصابت مستقیم بمب، موجب شهادت، مجروح شدن آنها یا از بین رفتن وسایل موجود در مغازه‌هایشان شد. آمار زیادی از شهدای استان ایلام مربوط به بازاریان است. در جریان بمباران شهر ایوان در تاریخ ۱۳۶۴/۳/۱۸، برخی از بازاریان در اثر اصابت مستقیم بمب به شهادت رسیدند؛ از جمله این شهدا، غلام ملکی بود که جسد وی هرگز پیدا نشد و مفقودالثر گردید (اکبری، ۱۳۹۲: ۳۲۱).



مردم استان ایلام در دوران دفاع مقدس، چه در شرایط عادی و چه هنگامی که شهرهای استان توسط هواپیماهای جنگنده عراقی بمباران می‌شد، بدون آنکه در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی خود خللی وارد کنند، با تحمل مشکلات و سختی‌ها به زندگی خود در بدترین شرایط ادامه دادند و از دین و وطن اسلامی خود حفاظت کردند. آنها بیشتر مواقع خانه به دوش بودند و با کمترین امکانات در زیر چادر زندگی می‌کردند. کمبود سوخت در فصول سرد سال، کمبود آب آشامیدنی بهداشتی، تعطیلی مدارس و مراکز آموزشی، کمبود وسایل نقلیه برای انتقال به موقع مردم به جاهای امن در شرایط اضطراری و به هنگام بمباران‌ها، بارش‌های متعدد و وزش بادهای شدید که موجب پاره شدن چادرها و واژگونی آنها می‌شد، سرما و گرمای شدید، نبود وسایل خنک‌کننده مانند کولر و ...، عدم برق‌رسانی به اردوگاه‌ها، کمبود بیمارستان و پزشک و ... از مهمترین مشکلات مردم استان ایلام در دوران دفاع مقدس بود. با وجود این، مردم در سخت‌ترین شرایط با صفا و صمیمیت در کنار هم بودند. در این دوران سخت، زنان ایلامی دوشادوش مردان در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی؛ همچنین در امر دفاع فعالیت داشتند. عشایر استان در تقویت و پشتیبانی رزمندگان اسلام نقش مؤثری داشتند. آنها با خانواده‌هایشان در مناطق قشلاق و عملیاتی حضور پیدا می‌کردند و علاوه بر پرورش دام، باعث تقویت روحیه رزمندگان نیز می‌شدند. در بسیاری از اوقات، رزمندگان ایرانی با آنها روابط دوستانه‌ای برقرار می‌کردند و از آنها لیبیات و گوسفند می‌خریدند. بسیاری از مردان عشایر به جبهه جنگ می‌رفتند و زنان آنان به پرورش دام‌ها و سرپرستی خانواده می‌پرداختند. پرستاران، امدادگران و پزشکان بیمارستان‌های استان ایلام، علاوه بر خدمت خالصانه به مردم این استان و مجروحان جنگی، به درمان اسرای مجروح عراقی نیز می‌پرداختند که برای معالجه به بیمارستان‌های ایلام منتقل می‌شدند. بازاریان استان ایلام هم با رفتن به جبهه‌ها و قرارگرفتن در صفوف رزمندگان، کمک‌های مالی، اهدای مواد غذایی، پتو، زیلو، فرش، کلمن آب، لباس و ... به جنگ‌زدگان و رزمندگان، خدمات شایسته‌ای کردند. روحانیون نیز علاوه بر حضور در جبهه‌ها و دفاع از وطن، به برگزاری نماز جماعت، آموزش‌های دینی و اخلاقی و تبیین آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی در بین رزمندگان و اقشار مختلف جامعه نیز می‌پرداختند.

الف) فارسی

- آرزو، دوستعلی (بی تا). روزشمار جنگ در استان ایلام. ایلام: برگ آذین.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۰ الف). تاریخ معاصر استان ایلام (عصر انقلاب اسلامی از ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۹/۶/۳۱ ه.ش). مشهد: شاملو.
- (۱۳۹۰ ب). حضور زنان استان ایلام در دفاع مقدس (۱۳۶۷-۱۳۵۹). ایلام: جوهر حیات.
- (۱۳۹۱ الف). نقش روحانیت استان ایلام در انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. ایلام: جوهر حیات.
- (۱۳۹۱ ب). نقش زنان استان ایلام در تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. تهران: شاملو.
- (۱۳۹۲). تاریخ معاصر استان ایلام (عصر دفاع مقدس با تکیه بر جنگ تحمیلی). ایلام: جوهر حیات.
- (۱۳۹۳ الف). سومار در مسیر تاریخ. ایلام: جوهر حیات.
- (۱۳۹۳ ب). نقش نیروی انتظامی در دوران دفاع مقدس. ایلام: فرهنگ فردوس.
- امام خمینی (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی (ره). ج ۵. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- برزگر، علیرضا (۱۳۸۴). روزشمار جنگ تحمیلی. تهران: سروش.
- بهروزی، فرهاد (۱۳۸۴). تقویم تاریخ دفاع مقدس (غرش توپ‌ها). ج دوم. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- پایگاه انتقال خون استان (۱۳۹۰). آمار اهدای خون توسط بانوان و مردان ایلامی به مجروحان جنگی و بمباران‌ها در تاریخ ۱۳۹۰/۴/۱ ه.ش.
- پرهیزکاری، مجید (دوشنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۸۹). «سارات؛ قطعه‌ای از کربلا». راه فردا، سال سوم.
- درخشنده، صیدمحمد (۱۳۹۱). عشایر ایلام. ایلام: زانا.
- (۱۳۹۳). جغرافیای طبیعی و اکوتوریستی ایلام. ایلام: مؤلف.
- (۱۳۹۴). دیوالا: از ادوار کهن تا عصر پهلوی (قوم‌شناسی). ایلام: مؤلف.
- سازمان امور عشایری استان ایلام (۱۳۹۰). آمار شهدای عشایر استان ایلام در تاریخ ۱۳۹۰/۳/۱۹ ه.ش.
- صحرایی، محمد (۱۳۸۹). تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام. تهران: فاتحان.
- فوزی، یحیی و علیرضا لطف‌الله‌زادگان (۱۳۸۷). روزشمار جنگ ایران و عراق (در تدارک عملیات سرنوشت‌ساز). جلد ۴۳. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- لطف‌الله‌زادگان، علیرضا (۱۳۸۱). روزشمار جنگ ایران و عراق، کتاب بیستم (عبور از مرز)، جلد ۲۰. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- محمدرحیمی، کامران (۱۳۸۵). نقش عشایر استان ایلام طی دوران دفاع مقدس و حفظ پاسداشت آن. ایلام: طلور.
- مرادپیری، هادی و مجتبی شربتی (۱۴۰۲). آشنایی با علوم و معارف دفاع مقدس. تهران: سمت.
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ. سند شماره ۰۰۸۵۷۶.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۸۸). اوج دفاع کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۵، به اهتمام عماد هاشمی. تهران: دفتر نشر معارف انقلاب.

روزنامه‌ها

- اطلاعات. دوشنبه ۱۳۵۹/۹/۲۴. شماره ۱۶۳۱۱.
- دوشنبه ۱۳۵۹/۹/۱۷. شماره ۱۶۳۰۵.
- چهارشنبه ۱۳۵۹/۷/۲. شماره ۱۶۲۴۶.
- ۱۳۵۹/۹/۱. شماره ۱۶۲۹۱.
- اطلاعات. ۱۳۵۹.
- جمهوری اسلامی. دوشنبه ۱۴ خرداد ۱۳۵۷. سال اول. شماره ۵.
- چهارشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۶۵.
- سال اول. شماره ۵.
- یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۵۸. سال اول. شماره ۱۵.
- ۱۳۵۸، شماره ۶۶.
- یکشنبه ۱۸ مرداد ۱۳۵۸ ه.ش. شماره ۶۶.

خبرگزاری‌ها

- خبرگزاری جمهوری اسلامی. ۱۳۵۹.
- خبرگزاری پارس. ۱۳۵۹/۹/۸.
- ۱۳۵۹/۹/۲۹.
- ۱۳۵۹/۱۰/۲۱.

مصاحبه‌ها

- مصاحبه با حمید پاوند، کارشناس آموزش بانک ملی استان ایلام و فرزند ارشد حاج مجید پاوند که در منطقه عملیاتی میمک حضور داشته است. تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۰/۱۰/۱۰.
- مصاحبه با سرهنگ محمد تقی قاسمی، جانشین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی استان ایلام و از رزمندگان دوران دفاع مقدس، تاریخ مصاحبه: چهارشنبه ۱۳۹۰/۶/۲۳.
- مصاحبه با صی محمد (صیدمحمد) ناصری، به نقل از اکرم ناصری، کارشناس ارشد تاریخ و مدرس دانشگاه، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۰/۳/۱۵.